

بازاندیشی سیاست‌های ایالات متحده نسبت به شورای همکاری خلیج

نیل، توبیه

۱۲ می ۲۰۲۰

حرف‌و‌فصل واقعی اختلافات ریشه‌دار و بغرنج بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج بعید به نظر می‌رسد، لذا واشنگتن باید در عین حال که امنیت منطقه را افزایش می‌دهد، بر ارتباط دوجانبه با این کشورها متمرکز شود.

در ۲۲ آوریل، رئیس‌جمهور ترامپ با تمیم بن حمد، امیر قطر، تماس تلفنی برقرار کرد که موجب شد گمانه‌زنی‌هایی درباره امکان دستیابی به موفقیت احتمالی در ترمیم شکاف دیپلماتیک طولانی‌مدت این کشور با اعضای شورای همکاری خلیج صورت گیرد. به رغم چنین نشانه‌هایی از آشتی و ایجاد روابط حسنه، خیلی بعید به نظر می‌رسد که دو طرف مناقشه، روابط خود را به سطح روابط قبل از ژوئن ۲۰۱۷ بازگردانند؛ یعنی زمانی که بحرین، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کشورهای دیگر روابط خود را با دوحه قطع کردند و لیست بلندبالایی از مطالبات اقتصادی، سیاسی و نظامی را همراه آن مطرح ساختند. در خلال سال‌های بعد، شمار کشورها و جدیت اختلافات بین اعضای شورای همکاری خلیج، از جمله کشورهای بی‌طرف مثل کویت و عمان، بیشتر شد. به این ترتیب، غیرعقلانه است که امیدوار باشیم فشارهای بین‌المللی یا تهدیدات و منافع مشترک برای حل این وضعیت کافی باشد و اتحاد شورای همکاری خلیج را در آینده نزدیک موجب شود. در واقع، به نظر می‌رسد که کشمکش بین آنها بیشتر هم خواهد شد. اگر دولت‌های خارجی، سیاست‌های خود را متناسب با این واقعیت تغییر ندهند، تلاش‌های آنها ممکن است بی‌نتیجه بماند یا حتی نتیجه عکس دهد.

اختلافات اعضای شورای همکاری خلیج فعلاً باقی می‌ماند

یکی از دلایلی که به نظر می‌رسد شکاف فعلی در کوتاه‌مدت ترمیم‌پذیر نیست، این است که مردم به شیوه بی‌سابقه‌ای درگیر ماجرا شده‌اند. بر خلاف مناقشات قبلی اعضای شورا که در سطح رهبری باقی می‌ماند، در بحران فعلی شهروندان کشورهای متقابل فعالانه به مخالفت با طرف دیگر برانگیخته می‌شوند و حتی از توهین به طبقه حاکم پرهیز ندارند - این خط قرمزی بوده که پیش از این کسی از آن عبور نکرده بود.

رهبران شورای همکاری خلیج بر اساس قوانین اساسی کشور خود از انتقاد مصون هستند، اما آنها اکنون به طور گسترده از سوی مفسران سیاسی در کشورهای همسایه خود خوار و خفیف می‌شوند. به عنوان نمونه، یکی از کاربران اماراتی تویتر به دلیل ارسال منظم اظهارنظرهای توهین‌آمیز درباره امیر تمیم و مادرش موزه، چنان مشهور شده است که حتی برخی از مفسران نامدار سعودی و اماراتی هم به پرهیز از توهین توصیه می‌کنند.

در واقع، رسانه‌های اجتماعی با صفحاتی که اخبار جعلی منتشر می‌کنند، به میدان نبرد اصلی این اختلاف تبدیل شده‌اند؛ و همزمان ربات‌های اینترنتی با هشتک‌های تحریک‌آمیز به خلق موضوعات داغ و پرطرفدار می‌پردازند. برای مثال، در چهارم ماه می، صفحات مرتبط با عربستان، عکس‌ها و فیلم‌هایی را منتشر کردند با این ادعا که در قطر «تیراندازی» اتفاق افتاده و بخشی از یک کودتا بوده است. روز بعد، صفحات مرتبط با قطر به انتشار گمانه‌زنی‌هایی پرداختند جاک از اینکه پادشاه عربستان سعودی در گذشته است. این واقعیت که اینگونه کمپین‌ها اغلب در بالاترین سطوح حکومتی ساماندهی می‌شود، تأکیدی است بر دشواری فیصله یافتن این وضعیت.

به موازات این مبادلات تلخ رسانه‌ای، گاهی فعالیت‌های دیپلماتیک امیدوارکننده‌ای نیز بین طرفین دیده شده است. با این حال، این نوع مبادلات رسمی خیلی جدی نیست و نباید آنها را به عنوان نشانه‌ای از روابط گرم تلقی کرد. به عنوان مثال، چند هفته قبل از نشست شورای همکاری خلیج در ریاض، در ماه دسامبر ۲۰۱۹، از قرار که گزارش می‌شد، محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، وزیر امور خارجه قطر، [پنهانی به عربستان سعودی سفر کرده بود](#) و گفت‌وگوهایی بین دو کشور به مدت یک ماه ادامه داشت. با این حال، در زمان برگزاری اجلاس، مشخص شد که هیچ توافقی بین آنها صورت نگرفته است، چون که امیر تمیم از حضور در این اجلاس امتناع کرد و نخست‌وزیرش را به جای خود فرستاد.

اخیراً نیز دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج، سلسله میباحثی مجازی را در سطح وزرا درباره شیوع ویروس کرونا برگزار کردند؛ ملاقات وزرای بهداشت آنها در ۱۴ مارس، ملاقات وزرای کار آنها در ۱۵ آوریل و ملاقات وزرای دارایی آنها در ۲۱ آوریل بوده است. در نگاه اول، این جلسات، پیشرفت قابل توجهی در روابط بین این دولت‌ها به نظر می‌رسد، چرا که دولت عربستان از دادن ویزا به وزیر بهداشت قطر برای شرکت در نشست سعودی درباره شیوع ویروس کرونا که در اواخر فوریه برگزار شد خودداری کرده بود. با این حال، همانند مذاکرات پیش از برگزاری اجلاس، این جلسات مجازی نیز نشانه ضعفی از شکل‌گیری روابط حسنه بین این دولت‌هاست.

اختلاف‌ها به قطر محدود نمی‌شود

گرچه اختلاف اصلی بین قطر و ائتلاف سعودی-امارات-بحرین صدرنشین اخبار می‌شود، اما شورای همکاری خلیج فارس با شکاف‌های عمیق‌تری نیز مواجه است. رهبران عمان از [حضور مداوم ارتش سعودی در استان القهره](#) در یمن که درست در مرز این سلطان‌نشین قرار دارد ناراضی‌اند. به علاوه، در آوریل ۲۰۱۹ دادگاهی در عمان پنج نفر اماراتی را به اتهام جاسوسی به زندان محکوم کرد.

دولت کویت نیز تمام سعی‌اش را می‌کند تا در این اختلافات بی‌طرف بماند، اما ریاض و ابوظبی بارها این کشور را تحت فشار قرار داده‌اند تا به نفع آنها موضع‌گیری کند. این وضعیت به طور خاص برای کویت دشوار است، چرا که این کشور مایل است فضای گسترده‌تری برای آزادی بیان نسبت به سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فراهم کند؛ از این رو، هنگامی که شهروندان عادی انتقاداتی مطرح می‌کنند که با ناخوشنودی یکی از دو طرف رویه‌رو می‌شود، مقامات این کشور با فشار خارجی برای خاموش کردن این صداها مواجه می‌شوند.

اختلاف‌های دیگری نیز بین اعضای شورای همکاری خلیج در حال ظهور است و یا با تحرکات به ظاهر اجتناب‌ناپذیر منطقه‌ای گره خورده است. به عنوان مثال، در حالی که عربستان سعودی و امارات همچنان هم‌پیمان به نظر می‌رسند، اختلاف‌های جدی میان آنها [در باره نحوه رسیدگی به مشکلات روزافزون در جنوب یمن](#) وجود دارد. از منظری وسیع‌تر، اختلافات بین اعضای شورای همکاری خلیج اکنون فراتر از مسائل

مربوط به اسلام سیاسی (که با خیزش‌های عربی در سال ۲۰۱۱ تشدید شده) و یا جراحات‌های ناشی از بحران‌های گذشته است (مثل دخالت ادعایی عربستان سعودی و امارات در ضدکودتای ناگام ۱۹۹۶ در قطر). ظهور نسل جدیدی از رهبران حوزه خلیج فارس به قدرت‌گیری شاهزاده‌های جوانی منجر شده که تمایل دارند مستقل از یکدیگر بمانند و آنها در شرایطی این منشی را پی می‌گیرند که اوضاع از زمان تشکیل شورا در سال ۱۹۸۱ تفاوت کرده است؛ مثل تهدیدات وجودی جدید در درون شورای همکاری خلیج که نمی‌تواند نادیده گرفته شود.

پیامدهای سیاسی

حتی اگر مباحث اخیر وزرای کشورهای حوزه خلیج فارس و مساعدت آمریکا در این زمینه به یک نشست مجازی در سطح بالا یا حل دیپلماتیک وسیع‌تر اختلافات بین اعضای شورای همکاری خلیج منجر شود، باز هم توافقی سطحی خواهد بود، چرا که ریشه‌های درگیری همچنان دست‌نخورده باقی مانده است و احتمال تشدید اختلافات در آینده بیشتر خواهد شد. عربستان و قطر، پس از رویارویی‌های دیپلماتیک نهایی در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، توافق‌نامه‌های ظاهراً بادوامی امضا کردند، اما این توافقی‌ها از هم پاشید و اختلافاتی که این توافقات در صدد حل آن بودند، شدیدتر شد. شاید مهم‌تر از همه، خصومت شخصی فزاینده‌ای باشد که بین رهبران اصلی شورای همکاری خلیج در جریان است؛ امری که رفع آن بعید به نظر می‌رسد.

از این منظر، یکی از سناریوهایی که می‌تواند به حل‌وفصل بهتر اختلافات بینجامد، جانشینی غیرمنتظره رهبران است؛ امری که هر یک از کشورهای رقیب، سال‌ها به دنبال تحریک آن در کشور مقابل بوده است. با این حال، این امر در حال حاضر بسیار غیرمحتمل است، زیرا در سه پایتخت مهم کشورهای عضو شورا، رهبران جوان قدرت را در چنگ خود دارند: امیر تمیم در دوحه، **ولیعهد محمد بن سلمان در ریاض** و **ولیعهد محمد بن زاید در ابوظبی**. مطمئناً، سعودی‌ها و اماراتی‌ها بر این باورند که دو چهره کهنسال، هنوز امور حکومتی در قطر را تحت کنترل خود دارند و مسبب بسیاری از مشکلات جاری‌اند؛ شیخ حمد بن خلیفه، پدر امیر تمیم، و حمد بن جاسم، نخست‌وزیر پیشین. بنابراین، از دید ریاض و ابوظبی، درگذشت هر یک از این دو نفر می‌تواند باعث تغییر در سمت‌وسوی اختلافات شود - هرچند احتمال تغییرات اساسی همچنان بسیار کم خواهد بود.

با توجه به این واقعیت‌ها، سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس ثمری‌تر خواهد بود اگر به جای تلاش‌های پراکنده برای ترمیم روابط گسسته اعضای شورای همکاری خلیج، بر روابط دوجانبه با هر یک از کشورهای عضو متمرکز شود. هر شش عضو شورا فارغ از چگونگی تحولات منطقه‌ای یا عملکرد ضعیف شورا به عنوان یک نهاد، مایل‌اند که روابط محکم خود را با ایالات متحده حفظ کنند. این رویکرد به منزله طراحی سیاست جدید یا اصلاح سیاست‌های جاری به گونه‌ای است که شورای همکاری خلیج را به صورت بی‌سروسامانی که هست بپذیرد؛ از جمله سیاست آغاز به کار «ائتلاف استراتژیک خاورمیانه» (MESA) که پیشنهاد عربستان سعودی بوده و مورد حمایت آمریکاست و نیازمند آن است که کشورهای شورای همکاری خلیج با آن همکاری کنند؛ همانطور که در سال ۲۰۱۷ پیش‌بینی شده بود. چنین تغییراتی تلاش‌های همه‌جانبه برای مقابله با ایران را دشوارتر می‌سازد، اما حتی همکاری در شورای همکاری خلیج در این جبهه در سطح پایین هم می‌تواند همراه با التزام خردمندانه و واقع‌بینانه ایالات متحده بسیار سودمند باشد.

** نیلی نوبره تحلیل‌گر مستقل یمنی در زمینه سیاست‌ها و ژئوپولیتیک منطقه خلیج مطالعه می‌کند. او پژوهشگر فولبرایت است و دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته امنیت بین‌المللی از دانشگاه نور است.*